

کلیاتی از حقوق قراردادها (۴)

مترجم: سیاوش جعفری*

اشاره

این نوشتار، ترجمه‌ای است در ادامهٔ مباحث پیشین با موضوعاتی همچون «اعمال نفوذ ناروا در قرارداد»، «اجرا و تخلف از اجرای قرارداد» و نیز «دکترین عدم امکان اجرای قرارداد یا عقیم ماندن موضوع قرارداد به علت وقوع وقایع غیر منتظره» از کتاب (Law text) بخش «کلیاتی از حقوق قراردادها» که از نظر شما می‌گذرد.



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

اعمال نفوذ ناروا

UNDUE INFLUENCE

بعضی اوقات انصاف در جایی که قرارداد به وسیله نوعی فشار، که خارج از حیطه تعریف حقوقی محدودتر اکراه قرار دارد، حاصل شده باشد، قائل به جبران می‌گردد. به عنوان مثال در یک سری از پرونده‌ها قراردادهای حاصله و مبتنی بر تهدید به تعقیب متعهد، (تهدید به تعقیب) همسر یا وابستگان نزدیک متعهد به یک تعقیب جزایی (جرم جزایی) به علت اعمال نفوذ ناروا ابطال گردیده‌اند.

اجرا و تخلف از قرارداد

PERFORMANCE AND BREACH

هر قراردادی تعهدات خاصی را حداقل به یکی از طرفین (طرفهای قرارداد) تحمیل می‌نماید. اگر قرارداد یکطرفه یا یک جانبه باشد، تعهدی را فقط به یکی از طرفین قرارداد تحمیل می‌کند. لیکن در موارد بسیار شایع‌تر قراردادهای دو طرفه یا دو جانبه، تعهدات به هر دو طرف قرارداد تحمیل می‌گردند و هر یک از طرفین ممکن است در معرض بیش از یک تعهد قرار داشته باشند. به عنوان مثال، به موجب یک قرارداد معمولی فروش کالا، فروشنده، متعهد و مکلف به تحویل کالا خواهد بود و نیز ممکن است که او متعهد باشد که تضمین بدهد (اطمینان بدهد) که آن کالاها دارای کیفیت ویژه‌ای می‌باشند یا برای مقصود خاصی مناسب‌اند. از سوی دیگر خریدار متعهد و مکلف خواهد بود که کالاها را قبول نماید و وجه (ثمن معامله) آنها را بپردازد.

طرفی که از اجرای تعهدات قراردادی خویش سرباززند و از اجرای آنها قصور ورزد، عموماً ناقض آن است (ناقض قرارداد تلقی می‌گردد)، به نحوی که اجرا و نقض می‌توانند به عنوان دو روی یک سکه تلقی گردند، لیکن عدم اجرا (عدم اجرای تعهدات قراردادی) همیشه و در همه حال نقض نیست. برای نمونه عدم اجرا می‌تواند به موجب دکترین و نظریه «عدم امکان اجرای قرارداد» از مسؤلیت معاف گردد.

عدم امکان اجرای قرارداد

FRUSTRATION

یک طرف قرارداد ممکن است ناقض قرارداد تلقی گردد حتی اگر عدم اجرای او معلول هیچگونه عدم مراقبت لازم و غفلت یا کوشش از جانب او نباشد. به عنوان مثال، فروشنده‌ای که تعهد می‌کند کالاها را از بندر معینی ظرف مدت مشخص شده حمل و ارسال نماید، ممکن است در صورت قصور (عدم ارسال کالا از بندر معین در زمان تعیین شده) مسؤول خسارات باشد، اگر چه قصور وی صرفاً معلول این حقیقت باشد که هیچ کشتی‌ای که بتواند کالاها را حمل کند ظرف آن مدت بندر را ترک نکرده باشد.

از طرف دیگر، فروشنده مسؤول و ضامن نخواهد بود، چنانچه قبل از زمان مربوط، بندر بوسیله زلزله تخریب و نابود می‌شود. در چنین وضعیتی گفته می‌شود که قرارداد به جهت عدم امکان غیر منتظره و ناگهانی دچار عدم امکان اجرا گردیده است (امکان اجرای قرارداد به علت وقوع یک امر ناگهانی و غیر مترقبه منتفی گردیده است). تمایز بین این دو وضعیت، تمایزی روشن و تقریباً ذاتی است که روی هم رفته به آسانی نمی‌تواند در غالب لغات و کلمات آورده شود (این تمایز ذاتی به آسانی به بیان و لفظ در نمی‌آید).

الف) در نمونه اول ما، فروشنده تعهد می‌کند که یک کشتی وجود خواهد داشت شاید با درک و تشخیص این که یک ضریب خطر راجع به چنین تعهدی وجود دارد

(این احتمال و خطر وجود دارد که کشتی ای در آن زمان معین از بندر حرکت نکند).
 ب) ولی در نمونه دوم، فروشنده تعهد نمی‌کند که یک بندر وجود داشته باشد؛ بلکه این امر صرفاً توسط هر دو طرف فرض می‌شود (اصولاً وجود بندر در ذهن هر دو طرف قرارداد مفروض است).

هنگامی که یک فرض اساسی و مهم از این نوع وجود خارجی و عینی نمی‌یابد (دروغ از کار درمی‌آید)، به واسطه وقایع و حوادث بعدی، دکترین و نظریه عدم امکان اجرای قرارداد (به علت وقوع وقایع غیر مترقبه) وارد صحنه می‌شود.

اثر این دکترین عبارتست از سقوط قرارداد بواسطه اجرا و اثر قانون. این دکترین این پیامد را به دنبال دارد که هر دو طرف قرارداد (از تعهدات قراردادی) بری الذمه می‌گردند. ولو آنکه تنها تعهد یکی از آنها از جهت اجرا غیر ممکن گردیده است.

در مثال آخر ما، هر دو فروشنده و خریدار بری الذمه می‌شوند هر چند که تعهد مشتری به پرداخت یقیناً از لحاظ فیزیکی اجرائش غیر ممکن نگردیده است.

از دیدگاه دکترین عدم امکان اجرای قرارداد، حقوق قرارداد را بعنوان نوعی مشارکت تلقی نموده و معتقد است که اگر موضوع قرارداد غیر قابل اجرا شود، سپس هر دو طرف قرارداد در یک زمان از تمامی تعهدات قراردادیشان معاف و بری الذمه می‌گردند. این معافیت و سقوط قهری و کامل قرارداد نوعی راه حل دقیق و مهم برای یک مشکل سخت و دشوار است.

این راه حل مهم و دقیق بعضاً می‌تواند به سختی و ناراحتی ای که تقریباً به همان شدت نظریه مخالف (نظریه مخالفی که قبلاً رایج بود لیکن اکنون بوسیله حقوق کامن لا متروک گردیده) که یک قرارداد بواسطه غیر قابل اجرا شدن غیر منتظره ساقط و منتفی نمی‌گردد منجر گردد.

بر طبق این نظر، دکترین و تئوری عدم امکان اجرای قرارداد بواسطه دو جریان که یکی قضایی و دیگری تجاری است بین دو حد محدود نگاه داشته شده است. قضات دادگاهها بر این امر اصرار و پافشاری ورزیده‌اند که حادثه غیر منتظره باید یک فرض

اساسی را که مبنای قرارداد بوده است، زایل و نابود نماید. بعلاوه ایشان محدوده و حوزه این دکترین را از راهها و جهات دیگر نیز محدود و مضیق نموده‌اند. بازرگانان و تجار به نوبه خود اقداماتی را برای تدوین نظریه عدم امکان اجرای قرارداد بعمل آورده‌اند.

به عبارت دیگر ایشان (بازرگانان و تجار) در موارد ممکن در قرارداد ابراز داشته‌اند که در صورت مداخله وقایع و حوادث غیر منتظره چه اتفاقی خواهد افتاد (به عبارت دیگر بعلت کثرت وقوع چنین حوادثی بازرگانان برای حفظ منافع خویش سعی نموده‌اند در قراردادهای منعقدۀ خویش واکنشهایی که در قبال چنین وقایعی اتفاق خواهد افتاد تصریح نمایند. بدین معنی که اگر واقعه غیر منتظره‌ای مانع از اجرای مفاد قرارداد گردد و یا در اجرای آن دخالت ورزد و یا موجب شود روند اجرای قرارداد کند گردد و یا حتی مزاحم اجرای قرارداد بشود، در این موارد چه عکس العملی به وقوع خواهد پیوست). (در هر حال) در مواردی که ایشان این گونه عمل نموده‌اند، این مواد و پیش بینیها عموماً اعمال شده و دکترین عدم امکان اجرای قرارداد را زایل و خنثی می‌نماید.